

## چگونه یک نوجوان ترکمن در روز روشن و در وسط خیابان لینچ شد! (به یاد شهدای گلگون کفن ملت تورکمن)

«... غروب روز دوشنبه ۲۲ بهمن ۱۳۵۸ گروهی از اهالی ترک آباد گنبد دهان به دهان خیر می دهند که یک ترکمن را گرفته اند، حدود هزار نفر از اهالی تحقیق شده جمع می شوند. یک نوجوان ۱۷-۱۶ ساله ترکمن به نام بهروز آخوندی را با کتک می آورند. او مرتب می گفت: "نامه وریانگیز، نامه، نامه، وریانگیز؟ (چرا می زنی؟ چرا می زنی؟ چرا چرا میزنی؟).

یک نفر بنام کیهان ستاره سراب یک تیر به ساق پایش زد و گفت: "راه برو" او نتوانست و زمین خورد. از درد بخود می پیچید. آنگاه به ران و شکمش شلیک کرد و در آخر به سر و صورتش رگبار بست. بعد از کشتنش شکم جسد را با سرنیزه پاره کرد و برای اینکه مردم را تهییج کند گفت: "بیانید جسد را رو به قبله عمر کنید." و در این حال چند نفر دیگر جسد را گرفته و به این طرف و آن طرف روی زمین می کشاندند. در این حالت یک نفر به جسد نزدیک شد و در حالیکه دستمال گردن ترکمن را نشان می داد گفت: "ببینید، کمونیست است، دستمال قرمز دور گردنش دارد."

در جریان این قتل فجیع یکی از همکلاسی های ترک این نوجوان ترکمنی سعی کرد از جریانات عکس بگیرد که با عکس العمل شدید پاسداران مواجه شد و دوربینش را از او گرفته و شکستند، او فریاد می زد: "این بچه ترکمن توی مدرسه همکلاسی من بود."»

توضیح: این مطلب از روزنامه "کار" ارگان سازمان چریکهای فدایی خلق ایران. اول اسفند ۱۳۵۸. شماره ۴۷ گرفته شد. عنوان مقاله از من است (آ.گورگنلی)